

بخش یکم

شناسائی محل

مسافر تهرانی که در جستجوی سوقات در خیابان‌های کرمان سراغ مرکبات به‌را می‌گیرد برخلاف انتظار می‌شنود که اگر منظور پرتقال درشت و آبدار است از محصول شهداد باید بخرد و اگر لیموی شیرین و نارنگی مرغوب خواست از امتعه بم پرس و جو کند اما شهداد کجاست؟ در ده فرسخی مشرق کرمان از راه کوهستان خرمایش عالی نیست ولی حنایش مرغوب است (۱).

با پرتقال و خرما و حنا شهداد باید در منطقه گرمسیر و جروم کرمان باشد. شهری قدیمی بوده و امروز مرکز بخش ولی عمری دراز و تاریخی پرهیاهو داشته است. در کتب تاریخی مربوط به کرمان و در تاریخ طبری و عقدالعلی و تاریخ محمد ابراهیم و غیره در ضمن وقایع اتفاقیه اسم خبیص چشم‌گیر است. امراء و سلاطین کرمان در دوران افول و فرار بسمت خراسان اول بدر خبیص می‌آمدند و مهاجمین خراسانی برای تسلط بر کرمان در خبیص اطراق می‌کردند و زائرین امام ثامن از بلوچستان و سیستان از طریق خبیص به تربت مطهر می‌رسیدند ولی منابع تاریخی و جغرافیائی در باره گذشته شهداد چندان نیست و با اینکه آثار جغرافیائی فراوان‌تر از نوشته‌های تاریخی است ولی از مجموعه این منابع مطالب جالبی دستگیر نمی‌شود و در لابلای این نوشته‌ها نمی‌توان گذشته شهداد را از لحاظ وضع شهر و زندگی مردم و منابع معیشت در ادوار تاریخی معلوم داشت و تازه این آثار مربوط بدوره بعد از اسلام است یعنی هزار و سیصد سال تاریخ و برای هزار و پانصد سال تاریخ پیش از اسلام مدرکی جز آثار باستانی بدست

۱ - در سالهای اخیر بواسطه برمهالاتی، پرتقال شهداد اعتبار گذشته را از دست داده است.

نیست و سه هزار سال تاریخ قبل از آن بکلی تاریک و مبهم است. مراد از این گفتار اینکه نباید انتظار داشت بامنابع و ماخذ موجود بتوان تاریخچه زندگی انسان را در شهداد روشن کرد.

وقتی نوشته‌ها و آثار تاریخی و جغرافیائی را زیر و رو نموده و با مو-شکافی وقایع تاریخی را تجزیه و ترکیب کنیم نتیجه حاصله چیز مهمی نیست و بعلاوه این مطالب مجهولات بیشتری را پیش آورده و ما را در بیان موضوع دچار شک و تردید می‌نمایند. از مجموعه بررسیها چند نکته جالب چشم‌گیر است: اول اینکه شهداد از زمانهای بسیار قدیم و ماقبل تاریخ معمور بوده و سکنه آن در تندباد حوادث تاریخی نابسامانیهای بسیاری دیده و زندگی امروزی شهر صورت مترقی ندارد.

دوم - شهداد موقع مناسبی در سرراههای بزرگ تاریخی داشته و دروازه ارتباط سیستان و بلوچستان به کرمان و خراسان بوده است. شهداد در حاشیه لوت کنار بیابانی مخوف و ناشناس قرار دارد که محل مناسبی برای تاخت و تاز است و سکنه محل در برابر حوادث ناگوار تاریخی منکوب و نابود شده و یا فراری گشته و جای خود را به اقوام تازه وارد سپرده‌اند. این است که امروز هیچ اثر و نشانی از خصوصیات نژادی و یا اجتماعی اقوام اولیه آن بدست نیست و مردمی که در منطقه شهداد در محیطی نامساعد با تلاش معاش درگیرند بومی محل نبوده و شاید بین آنها بندرت خانواری یافت شود که سوابق سکونتی بیش از دویست سال در این شهر داشته باشد. املاک شهداد بیشتر متعلق به چند خانواده یزدی و کرمانی است که در دوران اخیر سرمایه‌های بی‌کار خود را صرف خرید زمین و آب و باغ در شهداد نموده و شاید هرچندسال يك بار هم دیدنی از املاک خود نکنند.

سوم - اعتبار اقتصادی و اجتماعی شهداد مربوط به هزار سال قبل است و مقدسی پرورش کرم ابریشم و وفور درختان توت و خرماي محل را توصیف کرده و از حصار عظیم شهر و آبادیهای با اسامی گوک و کثروا و کشیت و نسک یاد نموده و امروز هم حصارهای مخروبه و بناهای ویران و پراکنده از دوره پیش از اسلام و همچنین خرابه‌های زمان سلاجقه و اراضی زراعی متروک شواهد گویائی از ایهت و جلال شهداد تاریخی می‌باشند.

شهداد با این سوابق تاریخی درخشان و اعتبار اقتصادی گذشته امروز قریه‌ای بیش نیست که جمعیت متوسط آن در حدود ۳۵۰۰ نفر می‌شود این جمعیت در زمستان و تابستان فرق می‌کند زیرا در تابستان بواسطه شدت گرما بیشتر اهالی

شهداد به کرمان یا گوک می‌روند ولی از زندگی گذشته شهداد این آبرو و اعتبار برای این قریه کهن بجا مانده که مرکز بخشی با ۱۲۰ آبادی است که چندین دهستان را شامل می‌شود. مسافری که بار اول به شهداد می‌رسد و از راه ناهموار گوهستانی صد کیلومتر در طول جاده ماهان به بم و ۱۵۰ کیلومتر جاده خاکی پرفراز و نشیب را پیموده، از دیدار قریه شهداد بسیار مایوس می‌گردد ولی راه مالرویی قدیمی بین شهداد و کرمان ۷۰ کیلومتر بیش نیست.

شهداد از دور يك پارچه باغ خرما است و نخلستانها چسبیده بهم و قسمت اصلی دهکده را تشکیل داده و در اطراف باغهای خرما اراضی زراعی بسیار کمی است که در آنها گندم و یونجه و اندکی صیفی کاری می‌شود. کوچه‌های باریک با دیوارهای بلند باغها و نهرهای آب در کوچه‌ها منظره جالبی به شهداد داده‌اند.

در باغهای خرما مرکبات هم کاشته می‌شود که بیشتر پرتقال و با آن لیمو و نارنگی هم هست. يك خیابان مرکزی جدید الاحداث از جنوب به شمال شهر را دو نیم کرده و چند مدرسه ابتدائی و يك دبیرستان ناکامل و يك درمانگاه و يك گاراژ برای ارتباط با خارج و تعدادی دکان که در آنها اجناس مورد احتیاج هرده را می‌توان یافت از جمله قند و شکر و چای و برنج و حبوبات و دو دکه نانوانی و دو جایگاه فروش بنزین این است پیکر شهداد.

ارتباط اصلی شهداد با کرمان از طریق جاده‌ای دراز و ناهموار است که اتوبوس‌ها و کامیون‌ها برای حمل مسافر و بار در آن رفت و آمد می‌کنند. بظاهر هر روز يك اتوبوس از شهداد به کرمان می‌رود ولی بیشتر ماشین‌ها تا گوک و اندوگرد آمده مسافر و بار خود را خالی کرده و به شهداد نمی‌رسند. بین شهداد و سایر دهستانها باید ارتباط روزانه برقرار باشد ولی ماشین‌ها بر حسب تصادف یا طبق سفارش از شهداد به تکاب و چهارفرسخ می‌روند و بین شهداد و کشیت رابطه منظم برقرار نیست و با اینکه راهی مستقیم بین شهداد و راور وجود دارد هیچ ماشینی در این راه رفت و آمد ندارد. يك ارتباط نامنظم بوسیله کامیون‌های باری بین شهداد و بیرجند برقرار است که رفت و آمد در این راه طولانی که از لوت میگذرد بسیار مشکل و محدود به فصل سرد است.

کامیون‌های باری در فصل زمستان خرما و مرکبات شهداد را به بیرجند می‌برند و از آنطرف گندم و سایر مواد غذایی حمل می‌کنند و گاهی چوب دارها از همین راه گوسفند برای فروش به شهداد می‌رسانند این است که امروز شهداد به غیر

از ارتباط مستقیم با کرمان نه تنها با سایر مراکز جمعیتی اطراف لوت مثل کشیت و دارستان وبم و نرماشیر و نصرت آباد و ده سلم و نای بند و راور رابطه منظم ندارد بلکه بندرت کسانی از اهالی شهداد به این نواحی سفر می کنند . گاهی شترداران بلوچ از مشرق لوت از طریق لوت زنگی احمد برای خرید خرما به شهداد می آیند و زمانی هم شتردارهائی از مناطق شمال ده سلم و جنوب بیرجند گوسفند و گندم برای معامله به شهداد می آورند ولی اهالی شهداد خود از مقصد این شتردارها و کم و کیف بازرگانی آنها بی خبر هستند. درد کاکین شهداد گاهی اهالی تکاب و چهار فرسخ برای تهیه جنس دیده می شوند ولی سایر دهستانها سر و کاری با شهداد ندارند . دهستان کشیت از طریق دره نسک به گوک مربوط می شود و دهستان اندوگرد اعتباری بیش از شهداد دارد و قسمتی از اهالی تکاب با اندوگرد ارتباط دارند . دهستان سیرج از طریق کوهستان به ماهان نزدیک است و از راه جوشان با گوک پیوند دارد .

محیط جغرافیائی

در تمام نقشه ها و اطلسها حتی اگر مقیاس بسیار کوچک و دقت نارسا باشد در مشرق کرمان دریای دشت لوت آبادی نامداری با اسم شهداد ضبط است . اگر نقشه چهل ساله باشد نام قدیمی این محل که خبیص است دیده می شود. معروفیت اسم و وضع عمومی منطقه با آبادیهای دیگری در شرق شهداد دلیلی بر وفور منابع اقتصادی و وجود جمعیت زیاد نیست و در تقسیمات کشوری شهداد مرکز يك بخش است ولی منطقه شهداد یکی از نواحی بسیار معتبر و تاریخی و با تفحص کمی که در آنجا بعمل آمده معلوم شده که لا اقل از چهار هزار و پانصد سال قبل این ناحیه بطور نامستمر محل سکونت و زندگی بوده و آثار قابل توجه این زندگی در ادوار مختلف مشهود است. برای بیان سوابق تاریخی شهداد ذکر چند کلمه از وضع جغرافیائی لازم است. در مشرق کرمان يك رشته کوهستان شمالی جنوبی حد فاصل بین دشت لوت و دشت کرمان است . این کوهستان تا منطقه راور و دربند در شمال ادامه دارد و در آنجا

بریدگیهای ارتباط بین لوت شمالی و بیابانهای شمال را برقرار میدارند و سپس ارتفاعات کوتاه تری بدنبال کوههای قبلی پیدا شده که بالاخره بکوههای نایبند و طیس می‌رسند و این ارتفاعات بطرف جنوب در اطراف بم ختم می‌شوند. شهاداد در دامنه شرقی این کوهها در منطقه ایست که کوهستان درقله سیرچ ۳۹۹۰ متر بلندی دارد. کوههای سیرچ و جفتان تا اواخر اردیبهشت برف دارند و بطرف دشت لوت از این کوهها آبهای فراوانی در جریان است. از لحاظ موقع جغرافیائی شهاداد در دشت قرار گرفته یعنی در محلی که چند رود بزرگ شکافی در جبهه کوهستان پدید آورده و آب زیادی بدشت لوت میرسد.

در اطراف دشت لوت (جز در منطقه بم) در هیچ جا باین میزان آب وفور ندارد و چون در مناطق خشک تمرکز جمعیت وابسته به آب است باید انتظار داشت که بزرگترین ناحیه جمعیتی تمام لوت در اطراف شهاداد باشد.

وضع ناهمواری

منطقه کوهپایه در مشرق کرمان شیب تندی بطرف دشت لوت دارد و در پای ارتفاعات کوهپایه درجائی که شکاف بزرگی در جبهه کوهستان پیدا شده و راه مالرو قدیم شهاداد را به گومان از طریق گردنه جفتان و سیرچ مربوط می‌کند آبادی شهاداد واقع است. این آبادی در روی زمینهای آبرفتی با گل ولای شور و ماسه است که انتهای مخروط افکنه در بند کوهستان می‌شوند. بلندی شهاداد ۴۳۰ متر است و در مغرب آن بفاصله ۲۵ کیلومتر آبادیهای دیگری در پای کوهستان قرار دارند که مجموع آنها را چهارفرسخ گویند و چهارفرسخ باین معنی که این آبادیها تا شهاداد ۴ فرسخ فاصله دارند. در غرب این آبادیها منطقه کوهستانی شهاداد است که در آن دهات دیگری دیده می‌شوند و در شرق شهاداد بفاصله ۲۰ کیلومتر دهات فراوانی در طول جبهی شمالی جنوبی از ده سیف تا کریم آباد قرار دارند که آبادیهای تکاب نام گرفته‌اند. تکاب بمعنی ته آب یعنی محلی است که مسیلهای کوهستان به آنجا ختم می‌شوند. در شمال و جنوب و مشرق تکاب بیابان لوت و ناحیه مرموز و ناشناخته کلوتها است.

اگر برحسب ناهمواری و وضع آبگیری دهات منطقه شهاداد را تقسیم بندی کنیم سه ناحیه مشخص باید در آنجا تمیز داد.

اول - کوهستان که هوائی بالنسبه ملایم دارد و دهات آنجا از آب رودها و تعداد کمی قنات بهره‌برداری می‌کنند و محصول آنها بیشتر میوه با اندکی غلات و علوفه است. آبادی بزرگ سیرج با چهار هزار جمعیت و گوگ با هشت هزار سکنه معروف - ترین محلها هستند. گوگ سرراه قدیم ارتباطی منطقه شهداد با حوزه بم و کرمان جنوبی و سیرج سرراه شهداد بسوی کرمان و نواحی شمالی آنست و کوهستان مقامی معتبر در زندگی مردم دشت نشین دارد.

در حوادث ناگوار تاریخی کوهستان مامن مردم دشت بوده و مراتع بی‌رونق آن چراگاه‌گله‌ها و هوای مساعد و میوه‌های آن وسیله رفاه گرمزادگان دشت لوت می‌شوند.

دوم - پای کوه که آنرا باید به شکستگی جبهه کوهستان به سوی دشت محدود کرد. آبادی‌های معروف دشت لوت با اندکی تفاوت ارتفاع بر حسب وضع دره‌ها و آبداری مسیل‌ها در این منطقه واقع می‌شوند که گودیزو اند و کرد و جهر باشند و بفاصله ۱۰۰ کیلومتر در جنوب شهداد آبادی پشویه و کشیت چنین موقعی را دارند. پای کوه زمین بهره ده کافی ندارد. آبرفت‌های درشت و سیل‌گیری مسیل‌ها و گسترش کم مواد گلی اراضی قابل کشت را بسیار محدود کرده و گل ولای رودها که محصولی از شست و شوی زمینهای قبلی توسط سیلابهای بزرگ است نمک و گچ کم دارند ولی این اراضی شیب‌دار و باید بوسیله کرب‌بندی آنها را آماده زراعت کرد. هوای پای کوه گرم است و محصول اصلی مردم خرماست و کشت‌های دیگر نامستمر و کم‌درآمد است.

سوم - بطرف مشرق در ابتدای چاله لوت منطقه تکاب است. منطقه تکاب در برابر شهداد واقع شده و امتداد آن بطرف شمال و جنوب محدود به حوضه انتهائی مسیل‌ها است. به سمت جنوب مسیل‌های منطقه شهداد در روی زمین پخش می‌شوند و در شمال شاخه شمالی مسیل درختنگان که از تنگه چهارفرسخ می‌آید در شفیع‌آباد و ابراهیم‌آباد منطقه مسکونی تکاب را محدود می‌کنند. آبادیهای تکاب از لحاظ تعداد زیاد و بیش از ۵۰ ده می‌شوند. بعضی دهات از فاضل‌آبهای زمستانی مسیلها بهره می‌گیرند ولی تمام آنها قناتهای دائر و بائر دارند. اراضی تکاب بحالت طبیعی شور و کویری شده و ماسه‌های روان خطر بزرگی برای دهات است. ویرانه‌های تاریخی و قلاع مخروبه و قناتهای منهدم در تکاب فراوان است. شهداد از لحاظ موقع، وضع خاصی دارد. نه بهری از پای کوه است و نه جزئی از تکاب زیرا شهداد قدیم برای بهره‌گیری از آب رود و زمینهای گلی بی‌نمک بین

منطقه دوم و سوم درجائی که مسیل‌ها در جلگه پخش می‌شوند واقع شده و در انتهای تنگه‌ایست که بدان دره چهارفرسخ گویند .

مسیلها

مجاری مسیلها اثری قاطعی در بهره‌گیری از آب برای کشت و زرع و زندگی مردم داشته و شناسائی این مسیل‌ها برای درک تغییرات محل شهر در ازمنه تاریخی ضروری است . دره چهارفرسخ محل اجتماع چند مسیل از شمال غربی و غرب و جنوب غربی است . آب اصلی و مورد استفاده شهداد از مسیل درختنگان و مسیل سختی است که از شمال غربی سرچشمه دارند و درابتدای تنگه دو مسیل دیگر که یکی مسیل بیشه و دیگری مسیل چهارفرسخ است بامسیلهای قبلی یکی شده و بطرف شرق امتداد یافته و در مخروط افکنه بزرگی از مواد آبرفتی درشت ، دره تنگی می‌سازند که آب اصلی شهداد از آن جاری است .

مسیل درختنگان شهداد را از شمال دور زده و از اراضی قدیمی روموك می‌گذرد و شمال شهداد مخروط افکنه قدیمی مسیل درختنگان بوده است ولی مجرای اصلی به سوی شمال شرقی و سپس به شرق پیچیده و راه خراسان آنرا قطع می‌نماید و دو شاخه است . دره جنوبی به گودی سه‌متر در جهت مستقیم شرق در کنار آبادی ابراهیم‌آباد و ده هوشنگ است و در چاله‌های پای کلوت‌ها محو می‌شود . شیب مسیل زیاد است و در ابراهیم‌آباد بلندی زمین ۳۰۰ متر و دره با ۳ متر گودی پیچ و خم‌دار است . زمینهای اطراف مسیل از تشکیلات کویری نرم و یکنواخت و ضخامت آنها معلوم نیست . این اراضی از تشکیلات کلوت نمی‌باشند بلکه از مواد ته‌نشستی مسیل‌ها در ادوار مرطوب بجا مانده و روی آنها کشت می‌شود و شوری زیادی ندارند .

شاخه شمالی مسیل شفیع‌آباد است که آنهم دره‌ای گود دارد و زمینهای شفیع-آباد و ده سیف هم از همان لایه‌های رودخانه‌ای هستند . در شهداد و اراضی جنوبی و شرقی ، زمین زراعی دره‌مین گل‌ولای رودخانه‌ای است . ضخامت آنها معلوم نیست و در چاههای منطقه شهداد از ۳ متر تجاوز نمی‌کند و در زیر آنها آبرفتهای رودخانه‌ای دیده می‌شود ولی بطرف چاله کلوت ضخامت آنها بیشتر است و اغلب توسط مسیل‌ها و آبهای روان و فشار باد بریده بریده شده و بصورت تپه‌های

کوچک و بزرگ درآمده‌اند.

اولین زندگی انسان در روی چنین زمینی آغاز گردیده ولی در طول شش‌هزار سال زندگی، بدفعات سیل‌های تازه گل و لای نوینی بجا نهاده و در جاهائی اراضی قبلی را بکلی شکسته و رو بیده‌اند، چنانچه امروز آثار زندگی اقوام اولیه در لابلای گل‌های قدیمی یافت می‌شود. بریدگی‌ها و تپه‌ها در مقابل مسیله‌ها و مخروط‌های افکنه زیاد است و در مواردی مانند اراضی شمالی شهداد زمینهای روموک بکلی در نتیجه سیل و باد شکافته شده و از بین رفته‌اند و همین صورت برای اراضی جنوب غربی شهداد که به اراضی دست‌جرد معروف است پیش آمده.

تغییرات آب و هوائی منطقه از دوران چهارم باین طرف معلوم نیست و چگونگی این تغییرات بر ما ناروشن است ولی پیدایش سیل‌های عظیم که باعث خراب شدن اراضی زراعی و تباہ شدن محل‌های مسکونی شده‌اند مسلم است و پیدایش سیل‌ها ربطی به تغییرات آب و هوائی ندارد. بواسطه شیب تند کوهستان بسوی چاله لوت یک بارندگی شدید و اتفاقی در کوهپایه باعث جریان آب‌های سهمگین در مسیله‌ها می‌شوند و یک نظر اجمالی بوضع اراضی زراعی قدیم در محل دست‌جرد و خرابه‌های تاریخی موجود در آن منطقه، می‌رساند که سیل عظیمی اراضی زراعی و بناها و باغات را بکلی از بین برده و حتی جریان آب در برخورد به یک بنا بدنه روبه سیل آنرا در هم کوبیده و جبهه مقابل پایدار مانده است.

برش زمین توسط آب و رویش آن توسط باد عملی که در ازمنه زمین‌شناسی باعث پیدایش ناهمواریهای اصلی دشت لوت بوده‌اند بطور مستمر در ادوار ماقبل تاریخ و تاریخی چهره زمین را تغییر داده‌اند. در دره چهارفرسخ مسیله‌های دیگری در جنوب تنگه قرار دارند که مسیل اصلی از دره جفتان و سپس مسیل کشیتو و مسیل خرم‌آباد بدان متصل شده و مسیل‌هایی از تپه‌های اندوگرد بدانها می‌رسند. این مسیل‌ها از دشت جنوبی شهداد گذشته و بطرف همت‌آباد تکاب رفته و در آنجا پخش می‌شوند.

شهداد بصورت فوق بین دودسته مسیله‌های شمالی و جنوبی قرار دارد ولی در تنگه چهارفرسخ با وجود دره‌های ثابت شمالی و جنوبی، وضع آبرفت‌نشان می‌دهد که حد بین دو دره چندان مشخص نیست و گاهی مسیله‌های شمالی در مجرای‌های جنوبی افتاده و بالعکس سیل‌های عظیمی از جنوب بسوی شمال جاری شده‌اند. در زمان حاضر وضع مسیله‌ها ثابت بنظر می‌رسند و در چهارصد سال گذشته تغییرات

مسیر عمده‌ای در آنجا انجام نشده است ولی در مغرب شهداد در دشت واقع بین شهداد و چهارفرسخ بررسی مسیل‌ها نشان می‌دهد که تحولات فرسایشی عظیمی در این منطقه رخ داده است. وجود تکه‌سنگهای چندتنی و آبرفت‌هایی که حد فاصل بین دو دره را پوشانده‌اند حاکی از این است که موقعی سیلابهای عظیمی از این دربند فرود آمده و در آنموقع آب به‌رسو جریان داشته و چه‌بسا بعد از هر سیل عظیم مجرای اصلی رودها تغییر کرده و شکل فعلی مسیل‌ها یکی از صور متغیر و ناثابت جریان آب در این تنگه است. بررسی جریان آب، در بیان تمرکز جمعیت در یک محل و جابجا شدن جای شهر و اراضی زراعی دخیل بوده‌است. شهداد کنونی بشکل مثلثی است که سرآن در امتداد دره کناران و قاعده آن در شرق است.

تنها عامل موثر در جلب و نگاهداری انسان در این منطقه آب است. و فور آب درپای لوت جایی که زندگی بصورت گیاهی و جانوری کم است باید ارزش فراوانی داشته باشد ولی گذشته از آب، عوامل طبیعی دیگری باعث شده‌اند که از هزاره چهارم پیش‌از میلاد، انسان در این منطقه سکنی گزیند و درطول ماجراهای اندوهبار تاریخ، شهر خبیص همیشه یک منطقه اقتصادی مهم کرمان باشد.

یکی از مناظر چشم‌گیر شهداد وجود اراضی زراعی وسیع مخروطه در اطراف آبادی است. چون کشاورزی در روی زمینهای گلی و بوسیله کرت‌بندی انجام میشود، یافتن این قبیل اراضی که در گذشته مورد بهره‌برداری بوده و امروز متروک میباشند آسان است، در روی عکسهای هوایی و از فراز آسمان این زمین‌ها با اشکال هندسی و خطوط مشخص کرت هویدا است و در داخل این اراضی شهداد کنونی یک پارچه نخلستان انبوه است تا جائیکه کوچه و خیابان در درون توده نخل نامرعی میباشند و تا وارد آبادی نشویم مساکن و معابر را نخواهیم دید.

بدور توده نخل زمین کمی زیر کشت گندم و یونجه و صیفی و حناست که گاهی در این اراضی تنه‌های خشک درخت نخل و بازمانده یک دیوار یا قلعه مخروطه حاکی از وسعت بیشتر آبادی در ازمنه گذشته است. اراضی زراعی متروک گاهی توسط مسیل‌های بزرگی شکافته و روئیده شده و بقایای این اراضی مانند جنوب غربی شهداد از بستر مسیلها چند متری بالا می‌باشند. در جنوب شرقی شهداد در راه همت‌آباد و ده‌نو اراضی زراعی قدیم‌یکلی شسته و روئیده و بشکل تپه درآمده‌اند. اهالی محل گرچه خاطرهای از کشاورزی روی این زمینها ندارند ولی شنیده‌اند که در پیش کشت و زرع در آنجاها بوده است. در شمال و شمال غربی شهداد هم

همین مناظر بشکلی جالبتر دیده میشوند ، بطوریکه مسیلهای فراوان از هرسو اراضی زراعی قدیم را شکافته و شکسته و هنوز کرت‌های زراعی روی تکه زمینهای برجسته ۳ متر بالای سطح کنونی دشت مشهود است و درجاهائی کشت حاضر در سطحی پائین‌تر از سطح زراعی قدیم انجام میشود .

اراضی زراعی مغروبه در دو منطقه شمالی و جنوبی شهداد کنونی قرار دارند یعنی دو منطقه‌ای که در مسیر مسیلهای بزرگ شمالی (درختنگان) و مسیلهای جنوبی (جفتان - خرم‌آباد) قرار دارند .

جریان آب درادوار متعادی باعث ته‌نشست مواد رسوبی نرم و گلی شده و اولین کشت در چنین جاهائی صورت گرفته ولی بدفعات سیل‌های عظیم زمینهای گلی را شسته و روئیده و کشاورزی را جایجا نموده و سپس رسوب و گل تازه بجاکذاشته است. اراضی مغروبه قدیم هیچگاه در يك زمان مورد بهره‌برداری نبوده‌اند و برحسب تحولات جریان سیل ، در هرزمان کشاورزی در محلی رونق گرفته است.

شهداد از آب فراوان برخوردار است ولی بواسطه بهره‌گیری نابجا، اهالی از کمی آب شکایت دارند . مسیل درختنگان تمام سال آبدار است و در زمان حاضر گذشته از رود آب درختنگان دو قنات هم آب به شهداد میرسانند و این وضع از زمانی کهن و نامعلوم برقرار است. از مسیل درختنگان در فصل سرد آب فراوان جاریست که به تکاب هم میرسد و بیشتر آن بهدر میرود زیرا روش کشاورزی منطقه برپایه کشت نخل و مرکبات است و توجه‌زیادی به زراعت گندم در فصل سرد ندارد و حال آنکه گندم شهداد در آخر اردیبهشت ماه رسیده و نیازی به آب تابستان نیست.

بواسطه خطر سیل که همیشه آبادی را مورد تهدید داشته مجرای آبگیری شهداد از مسیل درختنگان از طریق زیرزمینی بصورت سفته است تا آب فراوان مسیل در فصل طغیان بسوی شهر جاری نشود، بدین منظور در دشت چهارفرسخ بفاصله ۴ کیلومتر از شهداد دربستر مسیل درختنگان در محلی بنام شکوه، آب زراعی شهداد از مسیل جدا شده و در کانالی زیرزمینی افتاده و به آبادی میرسد . هیچکس بنای این سفته‌را بیاد ندارد و بنای آن بس کهن و با مهارت خاصی ساخته شده که بتوان بدون صرف هزینه و بند آوردن آب آنرا لاروبی نمود و بدین منظور مجرا دو دهنه دارد : دهنه اولی به نهر اصلی آبیاری شهداد میرسد و دهنه دوم در بالای دره درختنگان باز می‌شود و شیبی تند دارد . هر دو دهنه دریچه دارند و برای تنقیه

مجرا هر دو دریچه را بسته و آب در سفته عقب زده ، آنرا پرمینماید . اگر دریچه دوم را بازکنند آب با فشار زیاد تمام گل ولای سفته را روبیده و مجرا خالی میشود . این عمل وسیله جالبی برای پاک کردن مجرا است .

فاضل آبهای مسیل درختگان روستاهای تکاب شمالی را مشروب می نمایند و تکاب جنوبی چون آبگیر حوضه انتهائی مسیل جفتان و خرم آباد و اندوگرد است آب کمتری دارد و بندرت از این مسیلهای سیلی بسوی تکاب می رود ولی اگر سیلی از این دو مسیل سرآزیر شود برای شهادت بسیار خطرناک است . بررسی وضع مسیلهای در دشت چهار فرسخ نشان می دهد که مجرای مسیلهای شمالی و جنوبی گرچه در زمان حاضر از هم جدا هستند و اگر سیلی در دره درختگان یا دره سختی عارض شود به شهر نرسد ولی در زمانی بس کهن گاهی سیلهای تمام دشت چهار فرسخ را فرا گرفته و شدت جریان آب توانسته پاره سنگهای چند متری را با خود حمل کند . آثار این پاره سنگها در شمال آبادی کناران و در دشت پوزه کوه دیده می شود .

در زمان حاضر دو مسیل بزرگ درختگان و خرم آباد دره های گودی دارند و باینکه آبی در مسیل خرم آباد جاری نیست عرض بسترو عمق مسیل حاکی از جریان آبهای زیاد در این مجرا می باشند که این آبها باید از مسیل چهار فرسخ و جفتان و خرم آباد برسند . خطر نابودی شهادت از سوی این مسیل است و باین جهت در مسیل مذکور مقابل آبادی کناران سدی مقابل دره بسته اند که در مواقع بروز سیل آب به سمت شهادت نرود و سیلهای به سمت تکاب جنوبی به آبادی های همت آباد و رشید آباد و اکبر آباد جاری شوند و در چاله تکاب پای کلوت در زمین پخش گردند .

شناسائی مسیلهای و چگونگی جریان سیل برای درک زندگی مردم منطقه در زمان گذشته و تحولات روستاها و جابجا شدن آنها ضروری است . دو خطر دائمی برای ثبات و دوام زندگی مردم وجود دارد که اولی بطور نامستمر جریان سیل است و دومی بشکل پی گیر طوفانهای خاک و ماسه . بروز سیل شاید هر چند سده یکبار صورت گیرد و کسی خرابی ناشی از آنرا بیاد ندارد و آنچه در ازمینه ماقبل تاریخ و پیش از آن صورت گرفته از مشاهده مستقیم مابدور است . جریان سیلهای جدید در ازمینه ماقبل تاریخ و تاریخی هیچ ربطی به تغییرات آب و هوائی ندارد . شك نیست که یادگانه های آبرفتی در دشت چهار فرسخ و دشت دهنه غار حاکی از وجود ادوار مرطوب در دوران چهارم است ولی چه بسا که در شرائط آب و هوائی

خشك کنونی نیز برحسب تحولات جوی بارندگیهای شدید و سیل‌های عظیم بروزکنند. سال ۱۳۵۰ زمستانی سرماده و برف‌آور برای تمام ایران بود. بلندیه‌های سیرج و هشتادان و گوگ پوشیده از برف شدند و در اسفند همان سال هنوز برف فراوانی در کوهها وجود داشت و رود شور در حال طغیان بود و شاخه‌هایی از آن در غرب گذار باروت رو به جنوب رفته و چاله‌های شمالی کلوت را آب گرفته و در مصب رود شور دریاچه پر آب بزرگی پدید آمده بود ولی در اطراف شهداد سیلی پیدانشد و مسیل جفتان مانند گذشته خشك بود. مراد از این گفتار اینکه پیدایش سیل بواسطه بارندگی شدید در کوههای غربی شهداد است و هرچه وسعت منطقه بارانی بیشتر باشد شاخه‌های مسیل‌ها آب بیشتری گرفته و سیل‌ها مهیب‌تر هستند.

چابجا شدن محل شهداد در ازمینه تاریخی نتیجه مستقیم بروز سیل در دره جفتان است. مسیل بزرگ جفتان از جنوب شهر میگذرد و راه اندوگرد به شهداد آنرا قطع می‌کند. دو مسیل خشك قدیمی و متروک که امروز در داخل شهر پر شده‌اند و قلعه کهنه شهداد را دور میزنند به دره جفتان و سربند میرسند و امتداد آنها در شمال قلعه کهنه به مسیل درختنگان میرسد بنابراین در دوره پیش از اسلام از شاخه‌های مسیل جفتان آب به سوی شمال شهداد جریان داشته است.

قنات

گذشته از رود آب در غرب شهداد چند رشته قنات دائر و بائر وجود دارد که هر کدام در زمانی حفر شده و کمکی برای آب آبدی بوده‌اند:

اول - قنات کهنه و مخروبه اله آباد. مظهر آن بالای بند شهداد است و در جلوی آن هنوز چند خرابه هست که پیداست در سابق آنجا مزرع‌ای کنار شهر بوده. آب فعلی قنات بسیار کم است و پیشکار قنات زیر چهار فرسخ است این قنات به خاندان مظفری تعلق دارد.

دوم - قنات مخروبه دستجرد - پیشکار آن نزدیک چهار فرسخ و مظهر آن آسیای خرابه است. هیچکس آبادی آنرا بیاد ندارد ولی با ملاحظه آسیای کوچک و نهر قدیمی نباید این قنات معتبر بوده باشد. در سالهای پر آبی با آب شهداد در دستجرد اندک زراعتی میشده و دستجرد مزرع‌ای از شهداد بوده و بشرحی که خواهیم دید

زمانی خبیص سلجوقی در دستجرد قرار داشته است .

سوم - قنات دائر کهن مادی - که مظهر آن در محلی بنام سربند در غرب شهداد و نام کهن مادی جالب است . کهن بمعنی قنات و چاه کن راهم در شهداد کهن گویند اما اصطلاح مادی مفهوم مشخصی ندارد. پیشکار قنات کهن مادی از چهار فرسخ است.

چهارم - قنات نو - بطوریکه نام آن میرساند از مستحدثات جدید که پیشکار آن دو رشته یکی از دره خرم آباد و دیگری از چهار فرسخ است. مظهر آن در کنار مزرعه کناران و یک سهم آن متعلق به کناران و سه سهم از آن شهداد است. آب این قنات در جوئی که اطراف آن درختان نخل است در کنار دره جفتان جاریست و با آب کهن مادی یکی میشود ، در واقع قناتهای اصلی شهداد این دو آخری هستند.

پنجم - قنات حسین آباد . در اصل برای مزرعه حسین آباد در شمال شهداد حفر شده ولی آب قنات به حسین آباد نمیرسد و اراضی آن نزدیک روموک است و از آب شهداد مشروب میشوند . مادرچاه قنات حسین آباد در پوزه کوه است .

قنات اصلی و قدیمی خبیص اسلامی همان قنات کهن مادی و سپس قنات دستجرد است سایر قناتها برای مزارع اطراف شهداد حفر شده و چون مالکین آن سهمی از خود شهداد داشته اند آب آنرا به شهر آورده و بتدریج آب این قناتها جزء شهداد شده است مانند قنات نو و غیره . در شهداد مالکیت آب قنات با رود آب توام است که مجموعاً ۵۵۲۰ ساعت و نیم ملک بهره گیری و مالکیت آب در شهداد است و آب قناتها برحسب جبه یا دانگ است ولی زمین و آب باهم معامله نمی شوند و هر کدام قسمت جداگانه دارند .

توضیحی در باره قدمت تاریخی قنات ضروری است. قنات بزرگترین اختراع برای آب یابی در نواحی خشک و نیمه خشک است که سابقه آن در ایران به زمان هخامنشیها میرسد. اصول فنی بنای آن در همه جا یکسان است ولی مواد ساختمانی برحسب شرائط محل فرق میکند. دو نکته جالب را در بررسی وضع قناتها نباید از نظر دور داشت .

اول اینکه بزرگی قنات اصطلاحی برای معرفی طول قنات و عمق چاههاست و یک قنات بزرگ ولو مخروبه و خشک شود نشانیهای آن تازمانی نامعلوم در سطح زمین بجاست مگر در مواردی که سیل یا طوفان نشانیها را مخو نماید ولی چون درازی قنات زیاد است باز شواهدی از وجود قنات باقی خواهد ماند. پاره

قناتهای مغروبه شاید بیش از هزار سال عمر داشته باشند و چون ایجاد قنات برای زندگی و آبادانی بوده است با یافتن مظهر قنات میتوان منطقه مسکونی و مزروعی قدیمی را یافت ، حتی با بررسی وضع چاهها تعیین میزان آب قنات در زمان آبادی آسان است و وسعت منطقه آب رسانی قنات را میتوان حدس زد. قلعه و خانه و باغ و زمین بسی زودتر از قنات نابود گشته و اثر آنها زروی زمین محو میشود . در بررسی وضع بسیاری از شهرهای تاریخی و مقایسه زندگی گذشته و زمان حال طبق مدارك تاریخی می بینیم که برای فلان شهر آمده که آب آن از قنات است و با شناسائی محل معلوم میشود که قنات موجود همانست که در توصیف المقدسی و یا ابن حوقل رفته ولی نمیتوان گفت که این قنات بطور مستمر وسیله تامین آب برای شهر بوده است. قنات کهن مادی شهادت از آنجمله است که المقدسی هم آنرا یاد نموده است .

دوم اینکه - زمان احداث قنات را طبق شواهد موجود نمیتوان معلوم نمود و حتی نمی دانیم که قنات مزبور برای چه مدت آبدار بوده است، البته بررسی چاههای قنات و آبراهه آن آب دهی قنات را در گذشته معلوم میدارد ولی چون میزان آب قنات ثابت نیست باز کیفیت آب دهی قنات ناروشن است ، چه بسا قناتهای بزرگی کنده شده ولی ذخیره آب رسانی آنها ناچیز بوده و پس از اندک مدتی قنات خشک و منهدم گشته ، این است که نشانی قناتی مغروبه همیشه ناظر به وجود کشت و زرع در دهانه قنات نیست . در دشت تکاب واقع در مشرق شهادت تعداد بیشماری قناتهای مغروبه است که نه کسی نام آنها را می شناسد و نه منظور از احداث آنها را .

دو آفت بزرگ قناتها را تهدید مینماید که اولی تحولات سطح آبهای زیرزمینی است و فراخی آبراهه قنات نشان می دهد که سطح آب بتدریج پائین رفته و ناچار کف آبراهه را برداشته و آنرا گود کرده اند، البته گود نمودن آبراهه باعث جلو رفتن قنات و تغییر محل زراعی آبادی میشود. دهنه پاره ای از آبراهه ها باندازه ای فراخ است که حتی با اسب می توان از درون آن گذشت (قنات معروف گناباد) ولی در آبراهه های نو که با سופال بند و بست میشوند بزحمت میتوان داخل آنها شد. قناتهای قدیمی دائر از منابع آب زیرزمینی ثابت مانند بستر مسیله ها و چشمه ها و سفره های آب سرچشمه دارند .

آفت دوم قنات سیل است که باعث خرابی چاهها و پرشدن آبراهه میشود.

اگر به علت ریزش چاه ، مجرای آبراهه مسدود شود آب در مجرا پسرزده و انباشته شده و باعث ریزش آبراهه و پشته‌ها میشود از اینرو شرط اصلی آباد ماندن قنات جریان منظم آب در ابراهه است .

برای خرابی قنات نباید سیل های عظیم را مسئول دانست. اگر دهانه چاه قنات کاملا بسته نباشد و اطراف آن حصاری نگهبان نسازند حتی جریان آبی مختصر در نتیجه يك باران موقت بداخل چاه باعث خرابی قنات میشود . طوفان شن و خاک هم میتواند چاههای سرباز را پر کرده و باعث خرابی آبراهه شود. مراد از توضیح فوق اینکه بررسی قناتهای مغروبه گرچه روش سودمندی برای شناسائی چگونگی زندگی مردم در زمان گذشته است ولی نتیجه گیری از مشاهدات محلی باید با کمال دقت و احتیاط صورت گیرد و شواهد انسانی دیگری چگونگی قناتهای کهن را تائید نمایند .

آمار

جلد بیستم فرهنگ آبادیهای کشور که نتایج آمارگیری سال ۱۳۴۵ است شهاد را بخشی از شهرستان کرمان آورده و این بخش شامل چندین دهستان است . دهستانهای غربی یا کوهپایه شامل دهستان سیرج و دهستان جوشان و دهستان گوگ و دهستانهای مرکزی شامل دهستان چهار فرسخ و دهستان اندوگرد و دهستان کشیت میشود. دهستان شرقی شامل آخرین آبادیها در حاشیه بیابان لوت است که دهستان تکاب باشد .

در بخش شهاد چهار آبادی بزرگ هست که اولی گوگ ۱۲ هزار نفر جمعیت و دوم شهاد ۳۷۹۰ نفر جمعیت و سوم سیرج ۱۷۸۸ نفر و چهارم اندوگرد ۱۵۶۲ نفر . شهرک اولی که گوگ باشد از لحاظ موقع جغرافیائی و پیوستگی اقتصادی و اجتماعی با شهاد سروکاری ندارد. گوگ در منطقه کوهستانی است و بواسطه برقراری راه ماشینرو از کرمان به شهاد که از گوگ میگذرد این شهرک سر راه شهاد است و گرنه در دنیای قدیم که شهاد از طریق کوهپایه به کرمان مربوط بود گوگ خارج از محیط زندگی حاشیه لوت قرار میگرفت . منطقه گوگ از رود آب و قنات مشروب میشود و محصول اصلی آنجا درختان میوه خاصه مو است . قالی بافی منبع درآمد بزرگی برای مردم شده و

گوگ بعد از راور بزرگترین محل تهیه قالیه‌های درشت باف برای کرمان است. در زمان قدیم بواسطه اعتبار فراوان خبیص، گوگ را هم از توابع خبیص شمرده‌اند و این وضع تا زمان حال ادامه داشته و در این مدت خبیص بتدریج از رونق افتاده و گوگ اهمیت یافته است. گذشته از دهستان گوگ دهستان جوشان هم که در شمال گوگ و در کوهپایه است همین صورت را دارد. جوشان قصبه‌ای با ۱۰۸۱ نفر جمعیت است و خود دهستان با ۱۵ روستا ۱۷۶۸ نفر ساکن دارد. دهستان کشیت با اینکه از لحاظ موقع جغرافیائی وضعی شبیه به شهداد دارد و کشیت مانند شهداد در تنگه‌ایست که رودی از کوهستان وارد دشت می‌شود ولی بواسطه دوری این روستا از شهداد (۱۲۰ کیلومتر) و انزوای کامل آبادیهای آن، هیچ پیوستگی اجتماعی و اقتصادی بین این دهستان و شهداد برقرار نیست و کشیت مرکز دهستان ۴۰۶ نفر جمعیت دارد. پشویه و نسک دو آبادی بنام این دهستان هستند که هر سه مرکز سابق تاریخی زیاد دارند. مجموع دهستان کشیت ۸۱۰ نفر ساکن دارد.

در مورد این سه دهستان باید گفت که پیوستگی آنها به خبیص از لحاظ سابقه است و چون در تقسیمات اداری بناچار گوگ و جوشان و کشیت باید جزء بخشی باشند بناچار آنها را ابواب جمع شهداد نموده‌اند شاید بهتر باشد از لحاظ واحد جغرافیائی گوگ مرکز بخش گردد و کشیت و جوشان از دهستانهای آن. از دهستانهای وابسته به شهداد اول منطقه سیرچ است. دهستان سیرچ ۲۲۱۹ نفر جمعیت دارد و شامل ۲۹ روستا است که همه در ناحیه کوهستانی و سرراه ارتباطی شهداد به کرمان قرار دارند ولی تنها خود سیرچ آبادی معتبری است (۱۷۸۸ نفر) و ۲۸ روستای بقیه جمعیت بسیار کمی دارند و دومین روستای آن که کوه جفتان است ۹۷ نفر ساکن دارد و سایر روستاها حتی نفوسی کمتر از ۵۰ دارند. سیرچ در بلندی ۱۵۵۰ متری در دره رودی بهمین نام قرار دارد و از زمانی ناشناخته و بس کهن ییلاق خبیص و تکاب بوده است و شاید نخستین ساکنان حاشیه لوت در کنار شهداد برای بهره‌گیری از مراتع کوهستانی و هوائی ملایم در فصل گرم به سیرچ کوچ میکردند و این پیوستگی تا زمان حاضر بر حسب تحولات اقتصادی و اجتماعی ادامه دارد.

در تابستان جمعیت سیرچ زیاد میشود و به ۵۰۰۰ نفر میرسد و بیشتر اهالی خبیص و تکاب در سیرچ باغ و علاقه‌ای فراهم کرده‌اند و در فصل تابستان در سیرچ

به کسب و کار اشتغال دارند . سقطفروشی و آهنگری و بزازی مدد معاشی برای آنهاست . سیرچ چشم‌انداز زیبایی با توده‌های انبوه درخت دارد . درختان انجیر- به - آلبالو - سیب - هلو - گردو - توت عایدی فراوانی نصیب اهالی می- نمایند . از محصولات صیفی - یونجه و سیب‌زمینی و لوبیا و پیاز و گوجه‌فرنگی و کدو و نخود برای مردم گرم‌زده حاشیه لوت می‌فرستند و در برابر خرما و مرکبات دریافت میکنند . نام سیرچ در ۳۵ سال قبل به بهارستان بدل شد ولی این نامگذاری رایج نگردید و نام قدیمی برجا ماند .

دهستان اندوگرد که آنرا اندوهجرد و اندوجرد هم‌گویند در ۲۵ کیلومتری جنوب شهدادسرا راه ماشین‌رو کرمان است . این دهستان شامل دو آبادی بزرگ، اندوگرد ۱۵۶۲ نفر و گودیز ۴۷۵ نفر است . با اینکه تعداد روستاها زیاد نیست (۱۱ روستا) جمعیت دهستان ۲۴۵۳ نفر است و این آبادیها از لحاظ معیشت شبیه به شهداد می‌باشند . خرما و مرکبات محصول اصلی دهستان است . منبع آب زراعی اندوگرد از فاضل‌آب رود سیرچ و از قنات است .

اندوگرد و گودیز بواسطه موقع مناسب بایدسوابق تاریخی کهنی داشته باشند ولی در نوشته‌های تاریخی نام این دو محل بصورت موجود ذکر نشده ولی شك نیست که بررسی‌های باستانشناسی در آنجا نتایج نیکویی خواهد داشت .

تقسیمات اداری ، دهستان شهداد را پس کوچک کرده است . در این دهستان گذشته از شهداد ۴ آبادی کوچک حومه شهداد می‌باشند . کناران ۴۳ نفر و سربند ۶ نفر و ده محمدحسن ۵ نفر و گذرگاه ۳ نفر جمعیت دارند و حال آنکه در چهار فرسخی غرب شهداد دهستان ۴ فرسخ هیچ آبادی معروفی ندارد و ۱۸ روستای آن ۵۸۲ نفر سکنه دارند که بزرگترین آبادیها باغ الماس و ناصرآباد هر کدام ۳۵ نفر ساکن دارند و بسی بجاست که این دهستان جزء شهداد شود .

دهستان تکاب آخر ناحیه مسکونی حاشیه غربی دشت لوت و بعد از روستاهای آن هیچ نشانی از زندگی به سمت شمال تا بیرجند و به سوی جنوب تا نرماشیر و به طرف شرق تا سیاه چادرهای کوهستانی شرقی نتوان یافت . میزان جمعیت دهستان تکاب زیاد نیست و بر رویهم ۲۹۸۱ نفر به میزان شهرک شهداد نمی‌رسد ولی شماره روستاها زیاد و ۴۲ آبادی مسکونی دارد . تکاب از آب فراوان زیرزمینی برخوردار است و جمله آبادیهایک پاچند قنات دارند . روستاها کوچک، و بزرگترین آنها همت‌آباد ۳۴۶ نفر ساکن دارد و چند آبادی از جمله ابراهیم‌آباد و استحکام

و دولت آباد و شورآباد جمعیتی بیش از ۱۰۰ نفر دارند . در عموم آبادیها عایدی اصلی مردم از خرماسست که جنس آن مرغوب نمی باشد و مرکبات هم در آنجا عمل نمی آید گندم و حناکاری و یونجه کاری و اندکی صیفی کم و بیش در هردهمی دیده می شوند . دامداری رواج ندارد . گوسفند بسیار کم و تعداد بز نیز بر حسب وسعت منطقه ناچیز است زیرا علوفه کافی فراهم نیست . گاو تر به تعداد کم برای شخم زمین است و گاو ماده انگشت شمار میباشد .

هیچ آبادی پیوسته به شهداد نیست و اولین روستای تکاب ۲۰ کیلومتر با شهداد فاصله دارد . برون شهداد بیابان است و درشقی شهداد بسوی تکاب مسیل-های شنی و ماسه ای و زمینهای گلی با تپه های کوچک نکا فاصله است بطوریکه شهداد بسان جزیره ای در بیابان سرگردان است . از رفت و آمد و جنب و جوشی که در حومه دهات بزرگ دیده می شود در شهداد خبری نیست و از دور يك پارچه درختان خرما است و دور آن اندکی زراعت و بسان شهر خاموشان است و بندرت چند راس الاغ سوار در راه تکاب بسوی شهداد بچشم میخورند . بیابان بین شهداد و تکاب که امروز زمینهای گلی شور با ماسه و اندکی رس دار هستند در زمان نامعلوم پوشیده از درخت بوده اند . هنوز آثار جنگل کز قدیم بشکل تک درختها و ریشه های ماسه گرفته که در سر نکاها بجا مانده اند از پوشش نباتی انبوهی که نابود شده است حکایت دارند . منطقه تکاب جنگلی است و جنگل کز و کهور در تکاب جنوبی چشم گیر است . از زمان آباد تا کریم آباد تمام آبادیهای تکاب در منطقه جنگلی قرار دارند و بسوی شرق این جنگلها تا تپه های کلوت ادامه دارند . در مشرق شفیع آباد و ابراهیم آباد منطقه جنگلی به کلوتها می رسد .

وجود آب در عمق کم زمین ، باعث رویش درختان کز گشته و هر جا آبگیر مسیلهای بوده درخت جایگیر شده است و تنها زمینهای بسیار شور در چاله آخری مسیلهای فاقد درخت میباشد . در شمال ، آنطرف مسیل دهنه غار دیگر درخت نیست و در جنوب تکاب مسیلهای جهر و کهنوج انتهای جنگل می باشند ولی دنباله جنگل تکاب در حوضه پائین مسیلهای پشویه و کشیت ظاهر میشود و ناحیه جنگلی حاشیه کلوت را کز در گویند ، جائیکه برای حشم داری مناسب است و با کندن زمین میتوان آب آشامیدنی شور بدست آورد .

منطقه جنگلی تکاب سر راه ارتباطی لوت جنوبی با شمال بوده است و عموم کاروان های لوت زنگی احمد و نصرت آباد که به شهداد میروند از این حاشیه جنگلی میگذرند . در آنجا آب و علف فراوان است و در سابق راهزنان برای دستبرد به دهات حاشیه لوت از این پناهگاه جنگلی بهره گیری میکردند .